**بسم الله الرحمن الرحیم**

درس اول- انسان و تفکر

**قدرت تفکر ملاک برتری انسان**

 1- تنها ملاک برتری انسان ها بر بقیه موجودات که همواره در طول تاریخ تکرار شده و عمومیت یافته، قدرت تفکر و اندیشه است.

 2- قدرت تفکر و اندیشه معمولاً در کتاب های منطقی با عنوان **«نطق»** آمده است.

 3- نطق همان تفکر و تعقّل است که بوسیله سخن گفتن تجلی پیدا می کند.

 4- ارسطوئیان که به انسان لقب حیوان ناطق داده اند، بدین وسیله خواسته اند جایگاه رفیع اندیشه را در ساختار وجود انسان نشان دهند.

 5- حیوانات هم به موضوعاتی آگاه می شوند و با اراده هدایت می شوند، اما میزان آگاهی آن ها با قدرت تفکر بشر قابل مقایسه نیست.

ظاهر سخن گفتن بوسیله الفاظ

6- **اقسام نطق**

باطن تفکر و تعقّل (نجوای درونی)

در حقیقت تفکر هم نوعی حرف زدن است که در بیرون شنیده نمی شود.

 7- انسان موجودی است دو بُعدی (روح و جسم) و تفکر مهم ترین فعالیت روح است.

**نقش منطق در فرایند تفکر و اندیشه انسان**

 1- انسان در هنگام تفکر بطور غیر ارادی از قواعدی پیروی می کند که به آن ها ، قواعد منطق می گویند

 2- انسان بدون اراده، اندیشه و تفکر می کند و منطق کمک می کند که انسان از این فرایند طبیعی بهتر بهره برداری کند.

 3- آگاهی از قواعد و ضوابط منطق (قواعد تفکر)، نقشی در عملکرد ذهن ندارد، اما آگاهی از این قواعد و ضوابط می تواند باعث بهبود و تسریع در تفکر شود و انسان بهتر به مقصد خود برسد. (همان طور که دانش و آگاهی نقشی در عملکرد اعضای بدن ندارد، اما دانش و آگاهی می تواند انسان را در استفاده بهتر از اعضاء کمک کند.)

 4- منطق ما را با طرز کار ذهن آشنا می کند و ما را در درست اندیشیدن کمک می کند. و مانع برخی اشتباهات در هنگام تفکر می شود.

 5- منطق از ذات انسان سرچشمه می گیرد و هیچ کس ابداع کننده ی آن نیست.

 6- ارسطو تنها طرز کار خدادادی ذهن را کشف کرد و به انسان ها گفت ذهن چگونه فعالیت می کند و چگونه اشتباه می کند و چگونه می توان مانع این اشتباهات شد. (در حقیقت ارسطو قواعد منطق طراحی را نکرد بلکه آن ها را کشف کرد).